

تأثیر جهانی‌شدن بر تحدید حاکمیت دولت در ایران از منظر حقوق عمومی
ژیلا محدث شکوری گنجوی^۱ - حجت الله ابراهیمیان^۲ - تهمینه عدالت جو^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴

چکیده:

موضوع مقاله، بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر حاکمیت ملی ایران است. بنابراین سوال پژوهش این است که جهانی‌شدن چه تأثیری بر حاکمیت ملی ایران دارد؟ جهانی‌شدن، حاکمیت‌های ملی را در مواردی از قبیل کاهش اهمیت مرزهای سیاس، محدود می‌سازد، ولی در عین حال می‌تواند فرصت‌هایی برای تقویت آنها نیز در اختیار گذارد. روش تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی - تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان داد که جهانی‌شدن، حاکمیت‌های ملی را در مواردی از قبیل کاهش اهمیت مرزهای سیاسی، محدود می‌سازد و اثرات محدود کننده نسبت به قواعد و اصول حقوق عمومی را در پی خواهد داشت. اگرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موضوع استقلال را در کشور مطرح کرده و نگاه ایدئولوژی و اسلامی دارد اما در عین حال نسبت به تحدید حاکمیت دولت ایران بی‌تأثیر نیست.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، حاکمیت دولت، حقوق عمومی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2012-1666

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ - استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران: نویسنده مسئول

^۳ - استادیار گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

جهانی‌شدن فرآیندی است که تمام سطوح مادی و معنوی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده به‌طوری که همه عرصه‌های گوناگون اجتماع انسان را به چالش می‌کشد؛ فلذا یقیناً می‌تواند نسبت به حاکمیت دولت ایران و قانونگذاری داخلی تأثیرگذار بوده و آن را تحت الشعاع خود قرار دهد. در واقع جهانی‌شدن به مجموعه فرآیندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌گردد که به موجب آن دولت‌ها به‌طور روز افزون به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین وابستگی و ارتباط است که برای مفهوم حاکمیت دولت مشکلاتی ایجاد می‌کند.

فرآیند جهانی‌شدن، با رها کردن امر اجتماعی از چارچوب و حوزه‌ی استحفاظی دولت ملت عامل تغییر و تعدیل ساختارهای اصلی دولت مدرن است و به بیان روشن‌تر، فرآیند مورد نظر با دقیق‌تر و نفوذپذیر کردن مرزهای ملی، توان قابلیت نهاد دولت را کاهش داده، شکل و ساختار آن را دگرگون و استقلال آن را مخدوش می‌کند و این امر در صورتی شدت بیشتری می‌یابد که دولت‌های حاکم به الزامات حقوق بشری پایبند نباشند. از سوی دیگر، جهانی‌شدن، جهان شمولی‌ها را در پی دارد و همزمان سبب می‌شود باورهای جهان شمول تحت تأثیر قرار گیرند و این موضوع به‌طور مستقیم به مسائلی از قبیل حقوق عمومی و حقوق بشر ارتباط می‌یابد. بدین ترتیب، جهانی‌شدن موجب شده که نظام بین‌الملل دائم در حال تغییر و گذار و دارای حالت انتقالی و سیال باشد و همچنین مسئله جهانی‌شدن باعث شد تا اثر و جایگاه حاکمیت این دولت فراتر از مرزها اعمال شود. جهانی‌شدن به گونه‌ای موجب بازسازی کارکرد-های قدرت دولت‌ها شده که حاکمیت دولت‌ها در فرآیند حکمرانی جهانی، متأثر از سازمان-های فوق ملی و نهادهای فروملی شده و حاکمیت و اقتدار، بین نهادهای داخلی، منطق‌های جهانی تقسیم شده است.

در حال حاضر گرایش غالب این است که جهانی‌شدن به صورت مجموعه‌ای از رویدادهای خارجی که خود مختاری یا استقلال عمل دولت را محدود می‌سازد، تفسیر می‌کند. از جمله پیامدهای جهانی‌شدن بر سیاست جهانی، تحقق روابط همکاری جویانه میان دولت‌ها بر اساس صلح و دوستی و تعامل با توجه به شکل‌گیری نوعی پذیرش و اجماع عمومی در جهان نسبت به اهمیت دموکراسی سیاسی، حمایت اجتماعی، حقوق اساسی شهروندان و امنیت انسانی است. این مهم از آن روست که انقلاب در فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی موجب تسهیل و گسترش مناسبات و تعامل بین کشورها و افزایش تحرک میان مردمان در اثر گردشگری و مهاجرت‌های بین‌المللی شده که می‌تواند چشم‌اندازهایی جدیدی را برای توسعه‌ی دموکراسی

در سراسر جهان بگشاید. این ارتباطات تعاملی و احترام عمومی به حقوق بشر می‌تواند در آینده تضمین کننده و نوید بخش مشارکت مستقیم تمامی شهروندان جامعه‌ی جهانی در فرایند تصمیم‌گیری درباره‌ی موضوع‌های مشترک باشد.

موضوع جهانی‌شدن و تأثیر آن بر فرهنگ و هویت ملی کشورها و از جمله ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در هر کشوری و از جمله ایران می‌باشد. فرایند جهانی‌شدن و اثر آن در تحدید حاکمیت دولت‌ها و حکومت‌ها غالباً اثرات منفی و مخرب را در پی خواهد داشت. فلذا از آنجایی که از یک طرف بررسی جهانی‌شدن و تأثیر آن بر حاکمیت دولت در ایران از منظر حقوق عمومی بسیار حائز اهمیت می‌باشد و از طرف دیگر بیماری کرونا، در این میان معادلات جهانی‌شدن را بر هم زده است زیرا منجر به لرزش ساختارهای اقتصاد جهانی و تعاملات جهانی ملل که نتیجه فرایند چندین‌ساله جهانی‌شدن است، می‌گردد که طبعاً بر حاکمیت دولت‌ها پیامدهای مخربی را به دنبال دارد از طرف دیگر تاکنون در هیچ پژوهشی به بررسی جهانی‌شدن و تأثیر آن بر حاکمیت دولت در ایران از منظر حقوق عمومی پرداخته نشده است و انجام این تحقیق دارای ضرورت می‌باشد.

مفهوم جهانی‌شدن

جهانی‌شدن فرایند کنش متقابل و انسجام مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سراسر دنیا است. به علت پیشرفت فناوری، ارتباطات و حمل‌ونقل رشد کرد. افزایش کنش متقابل جهانی، رشد تجارت، ایده‌ها و فرهنگ بین‌المللی را به‌همراه دارد. (احدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴) جهانی‌شدن در درجه اول یک فرایند اقتصادی به صورت کنش متقابل اقتصادی است که با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی همراه است. با این وجود، درگیری و دیپلماسی همواره بخشی از تاریخ جهانی‌شدن - به ویژه جهانی‌شدن مدرن - بوده است.

پیرامون ارائه تعریفی جامع از مفهوم جهانی‌شدن میان اندیشمندان اتفاق نظر حاصل نشده و هر گروه از آنان به فراخور برداشتی که از این مفهوم دارند و پیش زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که بدان تعلق دارند تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده‌اند. در برخی از این تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی‌شدن غلبه دارد و در برخی دیگر ابعاد سیاسی، فرهنگی یا ارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. (ویسه و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۶)

هریک از اندیشمندان برای مفهوم جهانی‌شدن تعاریف خود را آورده‌اند:

الف) رابرتسون (Robertson)

جهانی‌شدن، مفهومی می‌باشد که محصول فشرده‌شدن جهان تشدید آگاهی جهانی و

فرایندی است که وابستگی متقابل افزایش آگاهی مردم از کیفیت جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه در قرن بیست و یکم را به همراه داشته است. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

(ب) پراتون:^۱

پراتون جهانی‌شدن را پدیده‌های چند وجهی تعریف کرده‌است به گونه‌ای که به بافت‌های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و محیط زیست راه پیدا کرده‌است. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۶)

(ج) مارتین آلبرو:^۲

به عقیده آلبرو جهانی‌شدن فرایندی است که براساس آن مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به یکدیگر می‌پیوندند. (همان: ۱۹۷)

(د) امانوئل ریشر:^۳

جهانی‌شدن شکل‌گیری شبکه‌ای است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی، دور افتاده و منزوی بودند در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۷)

(ه) اندرسون:^۴

به عقیده اندرسون جهانی‌شدن به عنوان کاهشی در هزینه‌ی فعالیت‌ها تلقی می‌گردد. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۶)

(و) کاستل:^۵

به عقیده کاستل، جهانی‌شدن، ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌باشد که در ادامه حرکت سرمایه داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد. (همان: ۱۹۸)

واترز:^۶

جهانی‌شدن فرآیند اجتماعی‌ای می‌باشد که در آن قید و بندهای جغرافیایی که سایه گستر بر روابط اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۸)

^۱.Proton

^۲.Martin Albreu

^۳.Emanuel Richter

^۴.Anderson

^۵.Castel

^۶.Waters

جدول ۱- مجموعه تعاریف در راستای جهانی‌شدن

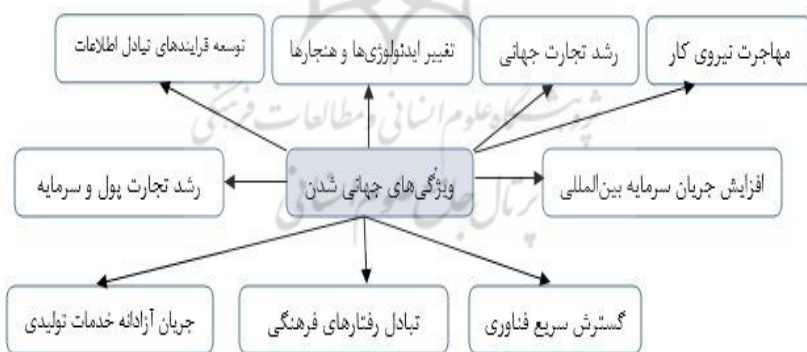
منبع تعریف	تعریف مد نظر
رابرتسون	تشدید آگاهی جهان به عنوان یک کلیت
پراتون	پدیده راه یافته به بافت‌های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فناوری و محیط زیست
آلبرو	پیوند مردم در یک جامعه فراگیر جهانی
ریشتر	ادغام شبکه‌ای از اجتماعات سراسر دنیا در وابستگی متقابل و وحدت جهانی
اندرسون	کاهشی در هزینه‌ی فعالیت‌ها
کاستل	ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای که در ادامه حرکت سرمایه داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد
واترز	فرآیند اجتماعی‌ای می‌باشد که در آن قید و بندهای جغرافیایی (درب‌گیرنده روابط اجتماعی و فرهنگی) از بین می‌رود

بنابراین با توجه به تعاریف فوق می‌توان جهانی‌شدن را فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان کشورها هر روز کمرنگ‌تر می‌گردد و افراد جهان در قالب یک جامعه یکپارچه با یکدیگر به تعامل می‌پردازند.

ویژگی‌های جهانی‌شدن

جهانی‌شدن دارای ویژگی‌های بسیاری است که می‌توان آن را این‌گونه مطرح نمود:

شکل ۱- ویژگی‌های جهانی‌شدن (برداشت از سلیمی، ۱۳۹۲: ۶۱)



ابعاد جهانی‌شدن

جهانی‌شدن دارای ۵ بعد می‌باشد:

الف) بعد اقتصادی:

یکی از اهداف بنیادی جهانی‌شدن در عرصه اقتصاد، از بین رفتن مرزهای اقتصادی و حذف موانع حقوقی- قانونی در کشورهاست به گونه‌ای که سرمایه‌ها به صورت آزاد در گردش درآیند.

جهانی‌شدن اقتصاد، توأم با خصوصی‌سازی، آزادسازی تجارت، مقررات‌زدایی در تجارت، کاهش مالیات‌ها، به حداقل رساندن نظارت دولت، رشد سریع شرکت‌های چندملیتی، گسترش مراکز مالی جهانی، مهاجرت کارگران، تحوّل در حمل و نقل و شبکه‌ی ارتباطات و وابستگی ارزش اقتصاد به تجارت اطلاعات و نه تجارت مواد، می‌باشد. (جمالی، ۱۳۹۲: ۳۳۱) در نتیجه تحولات اقتصادی امروزه بسیاری از کالاها و خدماتی که تاکنون قابل تجارت نبودند. در مدار تجارت جهانی قرار گرفته‌اند. نظام‌های ارتباطی جهانی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا برنامه تولیدی و عملیات مالی خود را به صورت همزمان در چندین کشور هماهنگ کنند و در واقع به عملیات اقتصادی جهانی مبادرت ورزند. اطلاعات نیز به واسطه شبکه‌های ارتباطی قابل تجارت و مبادله شده است. اطلاعاتی مانند مشاوره مدیریتی، سیستم‌های نرم‌افزاری، فیلم، نوار کاست، دیسک‌های فشرده، اخبار تلویزیونی و از این قبیل در این چهارچوب، تحرک و سیالیت سرمایه نیز به میزان بسیار زیادی و در قالب پول افزایش یافته است. به عبارتی پول به محصولی تبدیل شده که جوهره‌اش اطلاعات موجود در آن است. (پیری و میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۷)

به عبارت دیگر، باید اذعان کرد که جهانی‌شدن اقتصاد دارای نتایج مهمی برای اشخاص و اقتصادهای دیگر است. در واقع جهانی‌شدن اقتصاد دارای دو بعد است؛ در بعد اول مفهوم گسترش جغرافیایی دارد. لذا جهانی‌شدن اقتصاد به طور فزاینده‌ای فضای جغرافیایی گسترده‌تری را اشغال می‌کند و در بعد دوم جهانی‌شدن اقتصاد مفهوم فرایندی را دارد که شدت و فشرده شدن وابستگی‌ها، پیوندها و تعاملات بین اقتصادی را در بر می‌گیرد. بنابراین منطقی است که جهانی‌شدن اقتصاد را به شکل فرایندهای متعدد، متکثر و گسترده ترسیم کنیم. جهانی‌شدن اقتصاد بر ذات بی‌مرزی جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد و درنهایت جهانی‌شدن اقتصاد بر تبدیل شدن جهان، به ویژه در بعد اقتصادی، به یک واحد همگرا شده تأکید می‌کند. وضعیت فوق باعث تضعیف اقتدار دولت در نظم بخشیدن به اقتصادهای ملی می‌گردد.

ب) بعد اجتماعی:

گسترش سریع مهاجرت‌ها و صنعت توریسم، جهانی‌شدن الگوهای زندگی و مسایل مشترک جهانی، همگی از نمادهای جهانی‌شدن اجتماعی محسوب می‌شوند. (بیات، ۱۳۹۲: ۲۵۳)

ج) بعد سیاسی:

مبتنی بر این بعد، افراد قدرتمند شده و منجر می‌شود تا بتوانند به عنوان افراد ذی‌نفوذ بر روی دولت‌ها تأثیر گذاشته و آنها را تحت الشعاع تصمیمات و برنامه‌ها خود قرار دهند. بعد سیاسی جهانی‌شدن، مرتبط با کاهش نقش دولت-دولت‌ها و افزایش نقش و اقتدار شرکت‌ها

و سازمان‌های فراملی است که دولت‌های ملی به‌تدریج کنترل، مدیریت و اختیارات خود را از دست داده و نظارت آنها بر نیروهای داخلی کمرنگ می‌شود. (افروغ، ۱۳۹۳: ۲۵) در واقع در عصر جهانی‌شدن مسائل ملی به عنوان مسائل بین‌المللی به سه طریق موجب تضعیف حاکمیت دولت می‌شوند. موجب جهت دهی مجدد به اولویت‌های سیاسی فردی می‌شود، دولت - ملت را به‌عنوان حلال مشکلات موجه نمی‌داند، سازمان‌های بین‌المللی جدیدی تاسیس می‌کند که با وجود آنها دولت برخی از اهرم‌های حاکمیت خود را از دست می‌دهد. (منوچهری و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳۹)

در واقع جهانی‌شدن شامل تغییر سازمان سیاسی جوامع از سطح ملی به سطح فراملی است. بعد سیاسی جهانی‌شدن شامل مقولاتی مانند ظهور جامعه مدنی جهانی، توجه فزاینده به مسائل مشترک بین‌المللی، افزایش قدرت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، تضعیف حاکمیت دولت‌ها، کاهش تمرکز قدرت دولت، پیشرفت دموکراسی لیبرال و ظهور اشکال جدید ملیت‌گرایی می‌باشد.

د) بعد فرهنگی:

جهانی‌شدن از بعد فرهنگی، عمدتاً ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جهانی‌شدن فرهنگ است. این بعد از جهانی‌شدن بر سه بعد بالا برتری دارد و عمده توجه آن بر روی مسائلی تمرکز دارد که فرهنگ جهانی با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی برای هویت ملی و محلی به وجود می‌آورد. مبنای تحلیل طرفداران فرهنگ جهانی بر این اصل مبتنی است که رشد در حال توسعه فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده و از این طریق یک فرهنگ مسلط در سطح جهانی تشکیل داده است. (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۲۲) موضوع جهانی‌شدن بر این فرض قرار دارد که عرصه فرهنگ بر مبادلات و روابط نمادین استوار است و جهانی‌شدن نیز در زمینه‌هایی بیشترین شتاب را دارد که در آنها نمادها واسطه برقراری روابط هستند. در واقع از آنجا که مبادلات مادی، روابط اجتماعی را به مکان‌های به خصوص وابسته می‌کنند با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌باشند. نمادها را می‌توان در هر زمان و مکان تولید کرد و محدودیت‌های نسبتاً اندکی در تولید و بازتولید آنها وجود دارد. وانگهی این نمادها به سادگی قابل انتقال هستند. مهم‌تر اینکه چون نمادها غالباً گویای اصول و اعتقادات انسانی هستند، در عصر جهانی‌شدن از اهمیت جهانی برخوردارند. (ذاکریان، ۱۳۹۳: ۵۳)

در شرایط جهانی‌شدن فرهنگ بسیاری از شاخص‌های فرهنگ قومی و محلی برجسته‌تر

شده و به فراسوی سرزمین ملی و به فراسوی سرزمین ملی و بومگاه‌های محلی سرازیر شده است. روند جهانی‌شدن فرهنگ به معنای به فراموشی سپردن فرهنگ‌های بومی، منطقه‌ای و ملی نیست.

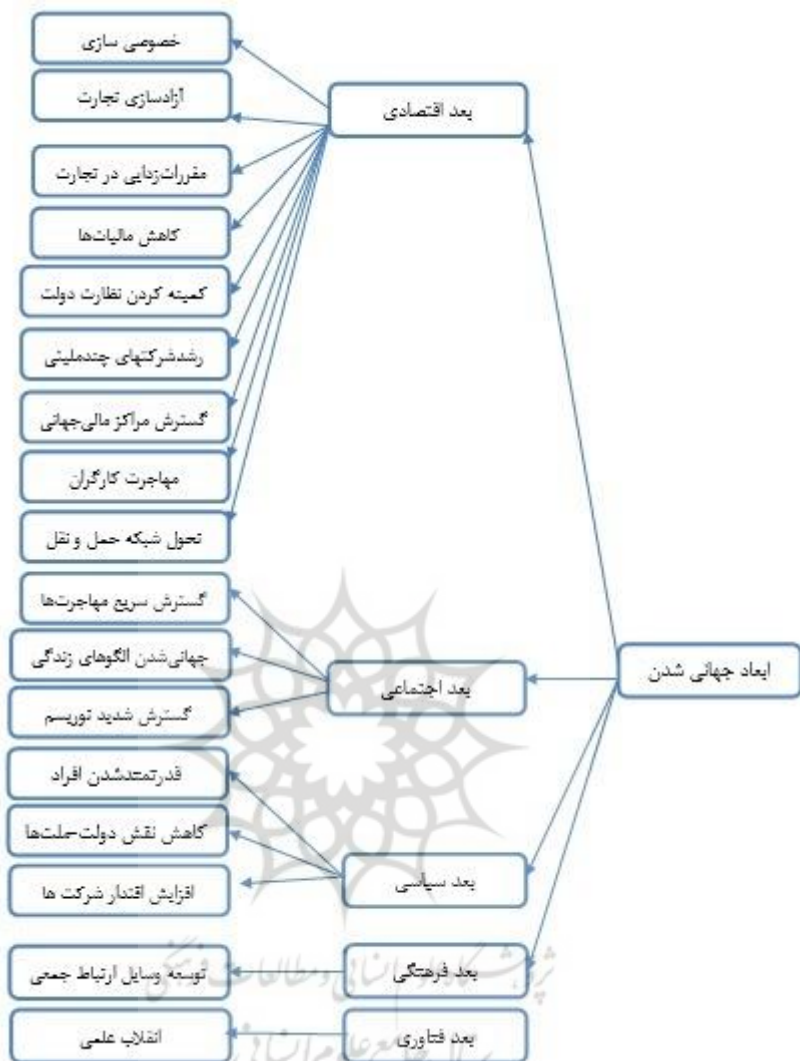
ه) بعد علمی / فناوری:

جهانی‌شدن از بعد علمی و فناوری، با انقلاب علمی و دانسته‌های جدید مرتبط است. انقلاب علمی، دانش فنی و ارتباطات نه تنها محرکه اصلی جهانی‌شدن هستند بلکه جهانی‌شدن و انقلاب علمی از یکدیگر جدایی ناپذیر می‌باشند. جهانی‌شدن به واسطه انقلاب علمی و اطلاعات راه را برای رسیدن به خدمات اطلاع‌رسانی سریع به کلیه مناطق از طریق تجارت و مبادله آزاد اطلاعات و آموزش همراه ساخته است. در عصر جهانی‌شدن وارد شدن اطلاعات در انواع سیستم‌ها و در همه سطوح به مثابه ورود اکسیژن به آن سیستم برای ادامه حیات است و توقف اطلاعات در هر سیستمی منجر به مرگ می‌گردد. انقلاب ارتباطات یکی از محرک‌های اصلی تحولات جهانی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. و به دلیل ماهیت چند سویه بودنش مانع از رهبری روند تحولات توسط عده‌ای خاص می‌شود. ارتباطات متقابلاً در آگاه‌سازی بیش از پیش دولت‌های جهان از حقوق انسانی خویش موثر است. در عصر جهانی‌شدن کنونی فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی از جمله «اینترنت»، امکان تغییر و تحول در باورها، ارزشها و در نتیجه، تصویر ذهنی مخاطبین را در حد بالایی افزایش داده است. (دهشیری، ۱۳۹۴: ۴۹)

واژه فاصله از بار مفهومی مکانی و زمانی برخوردار بوده است. تاکنون امکان انواع نقل و انتقالات میان دو یا چند نقطه با در نظر گرفتن فاصله قابل سنجش بود. بعدها فاصله از مفاهیم مکانی و زمانی صرف خارج شده و فواصل فضایی مطرح شد. در فرایند جهانی‌شدن فاصله مفهومی دیگر می‌یابد و از حالت مکانی و زمانی خارج شده و ماهیت عملکردی به خود می‌گیرد. به میزانی که سطح توانمندی‌های اطلاعاتی افراد افزایش یابد از حاشیه که در یک فاصله فضایی است خارج شده است و به متن جهانی بودن داخل می‌شوند اعم از اینکه در چه مکان و چه موقعیت جغرافیایی و یا چه فضای ملی باشند. (گل خندان، ۱۳۹۴: ۴۳)

فلذا خصوصیات این دوران اخیر یا جهانی‌شدن رایج و مورد نظر عبارتند از: فناوری اطلاعات و ارتباطات، فشردگی زمان و مکان، آگاهی‌های حاصل از انفجار اطلاعات و...

شکل ۲- ابعاد جهانی‌شدن (برداشت پژوهشگر)



پیامدهای جهانی‌شدن

الف) پیامدهای مثبت:

یکی از دستاوردهای مهم جهانی‌شدن، انتقال تکنولوژی به سراسر جهان است. جهانی‌شدن شرایطی را برای رشد در زمینه‌ی ارتباطات و اطلاعات فراهم آورده است. به عبارت دیگر، انتقال داده‌ها اندیشه‌ها پیام‌ها و تصاویر از طریق فضای فوق قلمرویی به تجارتی سودآور مبدل شده است که جهان و مسائل بی‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با کم‌رنگ کردن مرزهای جغرافیایی، مرز کلاسیک خودی و بیگانه را در چارچوب منطقی و انسانی باز تعریف می‌کند. به این ترتیب در پرتو ارتباطات و تکنولوژی جدید اطلاعات جهانی‌شدن، نوعی به هم پیوستگی در

سراسر جهان به وجود می‌آید. بنابراین جهانی شدن از طریق ایجاد تعامل شناختی و فرهنگی در میان جوامع می‌تواند آینده همگرایی و همکاری بی‌المللی را تقویت کند. (اخوان زنجانی، ۱۳۹۲: ۹۱) یکی دیگر از آثار مثبت جهانی شدن افزایش رقابت بی‌المللی است. با کاهش هزینه‌های حمل و نقل و رشد تکنولوژی اطلاعات، بنگاه‌های اقتصادی همه بازارهای جهانی را بازار خود می‌دانند. برای توفیق در صحنه رقابت بین‌الملل م‌بایست ابتدا اقتصاد داخلی به‌طور رقابتی شود. استاندارد کالاها به دقت رعایت شود تا کالاها با صادراتی قدرت رقابت با کالاهای خارجی و کالاهای داخلی قدرت رقابت با کالاهای وارداتی را داشته باشند. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۹۰: ۸) ابعاد مثبت جهانی شدن برای جوامع صنعتی، بیشتر از جوامع در حال توسعه و جهان سومی است؛ برای مثال استعمار در عین حال که بعد منفی جهانی شدن بود نتایج مثبتی نیز برای جهان سومی‌ها داشت و باعث شناخت فرهنگ و تکنولوژی غربی‌ها توسط مستعمرات گردید و جرقه آگاهی و توسعه و پیشرفت در این جوامع زنده شد. دموکراسی یکی از ابعاد مثبت جهانی شدن است که به نوعی مشارکت جمعی برای اداره امور به خصوص امور حکومتی است. دیگر بعد مثبت جهانی شدن انقلاب است. اگر جهانی شدن را مترادف با انقلاب اطلاعات و ارتباطات بدانیم، پس جهانی شدن به نوعی انقلاب است. انقلاب باعث می‌شود که ساختارهای قبلی جابه‌جا شده و ساختارهای جدید جایگزین ساختارهای قبلی گردد. خصوصی‌سازی هم از پیامدهای مثبت جهانی شدن است. یعنی واگذاری اقتصاد از بخش دولتی به بخش‌های خصوصی. (تاملینسون، ۱۳۸۸: ۷۳) همچنین جهانی شدن موجب تأمین آزادی‌های بیشتر می‌شود، وقتی که مرزها برچیده می‌شوند و افراد با هم ارتباط پیدا می‌کنند. این امر باعث رشد و توسعه در بعد فکری هم می‌شود که این امر سبب می‌گردد فرد به حق و حقوق خود بیشتر واقف باشد. به‌علاوه، جهانی شدن موجب افزایش رفاه و رشد اقتصادی خواهد شد. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۹۰: ۸)

ب) پیامدهای منفی جهانی شدن:

این پدیده به‌طور فزاینده‌ای از نظارت حکومت‌های ملی خارج شده و هم‌زمان با آن نهاد-هایی چند جانبه موجود در زمینه راهبری اقتصاد جهانی بوجود آمدند. جهانی شدن با تسلط دولت بر منابع درآمدی خود و کنترل اقتصاد داخلی سر ناسازگاری دارد. آنچه تحت عنوان جهانی شدن مطرح است و توسط کشورهای صنعتی غربی هدایت می‌شود هرگز رفاه و ثروت را برای تمام کشورهای جهان به‌خصوص توسعه نیافته به ارمغان نخواهد آورد. جهانی شدن سبب گسترش فقر و بیکاری می‌شود؛ به تعبیری بعضی مردمان را دارا و برخی را فقیر می‌کند، به عبارت دیگر

به سود کشورهای دارا و به ضرر کشورهای فقیر می‌باشد. (شولت، ۱۳۹۰: ۵۳)

جهانی‌شدن نوعی تحمیل فرهنگ غرب بر جهان غیرعرب است که توسط عوامل و اراده‌های اقتصادی - سیاسی نیرومند انجام می‌شود. آنچه در عرصه جهانی فرهنگ رایج و مسلط می‌شود، تصورات و مصنوعات و هویت‌های تجدد غربی است که صنایع فرهنگی غربی عرضه می‌کند. این صنایع به شبکه‌های جهانی مسلط هستند و امکان چندانی برای روابط و تبادل فرهنگی برابر میان غرب رتبه جهان باقی نمی‌گذارد. (لطفی و محمدزاده، ۱۳۹۰: ۸) از بحران هویت با بحران‌های فرهنگی، وابستگی، تغییر عادات و رویه‌های زندگی قبلی، عقب ماندگی، سلب آزادی افراد بدین صورت که افراد واقعیات را نبینند، کاهش تسلط دولت‌های ملی به- دنبال کاهش اهمیت مرزهای سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی و محدودتر شدن حیطه اختیارات و قدرت دولت‌های ملی، فقر و توزیع نابرابر درآمدها، بی‌ثباتی سیستم فرهنگی به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، پیدایش مشکلات گلوبال از قبیل آلودگی محیط زیست، گرم شدن کره زمین، ایدز، تروریسم، قاچاق بین‌المللی و سایر مشکلات که از دیگر ابعاد منفی جهانی‌شدن هستند. بنابراین کشورها چه بخواهند و چه نخواهند با دنیای بیرون ارتباط دارند و هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی این ارتباط را بگیرد. (گل محمدی، ۱۳۹۰: ۶۸)

شکل ۳- پیامدهای مثبت و منفی جهانی‌شدن (برداشت پژوهشگر)



حاکمیت دولت

حاکمیت دولت به این مفهوم می‌باشد که در حقیقت این مردم هستند که اقتدار عالی را اعمال می‌کنند؛ چون منشاء اقتدار از مردم است و آثار آن نیز به مردم باز می‌گردد و هدایت و

کنترل آن در دست مردم است. به این شکل از حاکمیت در محدوده داخلی که به شکل مطلق است و هیچ‌گونه محدودیتی بر آن وجود ندارد و به محض تأسیس دولت، حاکمیت برای آن وجود خواهد داشت، «حاکمیت دولت‌ها» می‌گویند (بدیعی و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۵۵) از این‌رو، حاکمیت دولت‌ها به کارهای درون مرز دولت و به جایگاه قدرت برتر در دولت مربوط است.

مزایای حاکمیت دولت‌ها

الف) بهره‌مندی دولت‌ها از حاکمیت:

دولت‌ها از تمام حق و حقوق و مزایای حاکمیت خویش بهره‌مند می‌شوند؛ چه در زمینه‌های جهانی مانند عقد قراردادهای بین‌المللی و تبادل نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی و برخورداری از مسئولیت بین‌المللی برای درخواست جبران خسارت‌هایی که بر شهروندان وارد می‌شود و از آن متضرر شده‌اند و چه در سطح داخلی، دولت از حق بهره‌برداری از مواد اولیه و ذخایر طبیعی به عنوان حق و حقوق دولت برخوردار می‌باشد. (پروین، ۱۳۸۹: ۴۶)

ب) تساوی دولت‌ها:

یکی از آثار مترتب بر حاکمیت این است که دولت‌ها از لحاظ قانونی با هم مساوی هستند و درجه بندی در حاکمیت‌ها وجود ندارد. حقوق و وظایفی که از آن بهره‌مند می‌شوند یا به آن ملزم می‌شوند از نظر حقوقی یکسان است؛ هر چند ممکن است اختلافاتی در زمینه‌هایی چون انبوهی و تراکم جمعیت با مساحت جغرافیایی با مسائل اقتصادی بین دولت‌ها وجود داشته باشد. (همان)

ج) فقدان مجوز دخالت در امور دولت‌ها:

از دشوارترین و سخت‌ترین موضوعاتی که حقوق بین‌الملل به آن متعرض است دخالت در امر کشورها می‌باشد. عده‌ای بر این باورند چنانچه دخالت مستبدانه و زورمدارانه از طرف دولت در امور دولت دیگر به قصد حفاظت و کمک و با هدف حفظ چهارچوب ارضی و استقلال سیاسی برای آن دولت صورت بگیرد امری پسندیده و قابل قبول است ولی حقوق بین‌الملل دخالت هر دولتی در امور داخلی دولت دیگر را ممنوع کرده است، زیرا هر دولتی در گزینش و گسترش و پیشرفت وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بدون هرگونه دخالتی از جانب دیگران آزاد است. (پروین، ۱۳۸۹: ۴۸) لذا این‌گونه نیست که هر دولتی در روابط داخلی و خارجی فعال مایشاء باشد و ملزم به رعایت یک سلسله اصول و قواعد نباشد.

اثر جهانی‌شدن بر تحدید حاکمیت ایران

الف) تحدید حاکمیت ایران در بعد فرهنگی:

۱- در حوزه نسل جوان: پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه نسل جوان، مولفه‌هایی از قبیل فردگرایی، مصرف‌گرایی، عدم توجه به ارزش‌های سنتی و گرایش جوانان به مد و البسه خارجی، موسیقی خارجی مطرح شده است. (نوابخش و نیکوکار، ۱۳۹۰: ۳)

۲- در حوزه زنان: سازوکارهای مورد استفاده در فرآیند جهانی‌شدن مشابهت دارند، ولی آثار و پیامدهای آن در جوامع مختلف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، شهرها و روستاها و زنان و مردان کاملاً متفاوت است. در این بین، آثار جهانی‌شدن بر زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. (طاهرخانی، ۱۳۹۳: ۹۳) بدین ترتیب، اگر چه جهانی‌شدن آثار مثبتی همچون افزایش درآمد، رشد اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش حق انتخاب، افزایش سطح آگاهی‌ها، و کاهش موالید را برای زنان به همراه داشته، به همان نسبت نیز آثار منفی نظیر رشد اشتغال غیررسمی، پرداخت دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزش‌های سنتی، عدم امنیت شغلی و گسترش فرهنگ مصرف را به زیان زنان تشدید کرده است.

۳- در حوزه هنر و ادبیات: همچنین پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه هنر و ادبیات، مولفه‌هایی از قبیل تأثیر زبان انگلیسی بر زبان فارسی و هنرهای سینما و تئاتر مطرح شده است.

۴- در حوزه فرهنگ اجتماعی: پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه فرهنگ اجتماعی، مولفه‌هایی از قبیل آمار شهرنشینی و روستانشینی مطرح شده است.

۵- در حوزه آداب و رسوم: پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه آداب و رسوم، مولفه‌هایی از قبیل آداب و رسوم رسمی از قبیل تضعیف زبان ملی، اضمحلال هویت تاریخی اقوام کهن بر اثر نابودی نشانه‌ها و نمادها مطرح شده است. (جویباری و محمدی فر، ۱۳۹۰)

۶- در حوزه دین: پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه دین، مولفه‌هایی از قبیل جایگزینی تدریجی اخلاق سکولار به جای اخلاق اسلامی مطرح شده است.

۷- در حوزه آموزش و پرورش: پیرامون نقش جهانی‌شدن و حاکمیت دولت در کشور ایران در بعد فرهنگی در حوزه آموزش و پژوهش، مولفه‌هایی از قبیل تضعیف جایگاه دانشمندان و متخصصان بومی، استقرار علوم مصرف کننده و غیرمولد در دانشگاه‌ها ملاحظه نمود. (بابیوردی و کریمیان، ۱۳۹۳)

۸- در حوزه هویت ملی: جهانی‌شدن نوعی انطباق است و به توان انطباق کشورها در شرایط جدید وابسته است و شرط ورود توانایی و آمادگی رقابت از سوی کشورها است. جهانی‌شدن که لزوماً منجر به حذف و نه منجر به تقویت هویت‌های ملی نمی‌شود، بلکه تاثیرگذاری آن مشروط است، هم می‌تواند به عنوان چالش و هم به عنوان فرصتی فراروی هویت‌های ملی باشد. (همان) بنابراین جهانی‌شدن با نفوذپذیر ساختن مرزها و افزایش چشمگیر برخوردهای فرهنگی، آگاهی انسانها را از عناصر فرهنگی دیگر مانند هنجارها، ارزشها، آداب و ادیان، بیشتر می‌کند.

ب) تحدید حاکمیت ایران در بعد سیاسی

جهانی‌شدن، حاکمیت‌های ملی را در مواردی از قبیل کاهش اهمیت مرزهای سیاسی، محدود می‌سازد، ولی در عین حال، فرصت‌هایی برای تقویت آنها نیز در اختیار می‌گذارد. به عبارتی، ضمن اینکه محدودیت ساز است و چالش آفرین، اما همزمان، فرصت‌هایی می‌آفریند که دولت‌ها می‌توانند در راستای تحکیم حاکمیت دولت‌ها خود از آن بهره گیرند. (سالم و همکاران، ۱۳۹۸). فرایند جهانی‌شدن سیاست سبب می‌شود که فرایندهای اجتماعی، فاصله‌های زمانی و مکانی خود را از دست دهند و ماهیت غیرمرزی پیدا کنند. (کلوانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶) همچنین در بعد سیاسی، جهانی‌شدن می‌تواند مشروعیت سیاسی کشور ایران را به چالش بکشاند. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در عصر جهانی‌شدن تنها در صورتی کارآمد خواهد بود که قدرت رقابت خود را در عرصه‌های علمی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی افزایش دهد. (محمودی، ۱۳۹۰: ۵۳)

ج) تحدید حاکمیت ایران در بعد ایدئولوژیک:

حاکمیت دولت ایران از نظر شرایط ایدئولوژیک نیز از جهانی‌شدن تاثیرپذیر می‌باشد؛ ایدئولوژی انقلاب اسلامی و شرایط بعد از انقلاب از قبیل غیر عادی بودن نسبت به یک جامعه انقلابی، به خودی خود، ظرفیت بالایی از تعارض جویی محیط فرهنگی و سیاسی و امنیتی خارجی و مخصوصاً نظام جهانی سرمایه‌داری لیبرال را با خود به همراه دارد. این مسئله نه تنها نسبت به نظام جهانی سرمایه‌داری لیبرال، بلکه حتی محیط پیرامونی متعارض اعراب و

مسلمانان را نیز در مقابل خود دارد (لی^۱، ۲۰۱۶). فلذا طبعاً در چنین شرایطی، روندهای کلی جهانی‌شدن و هنجارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی آن، نه در جهت تقویت بنیان‌های ایدئولوژیک حاکمیت دولت‌ها، نه خنثی نسبت به آن، بلکه کاملاً در تعارض با آنها هستند. از این‌رو، حاکمیت دولت‌ها جمهوری اسلامی ایران (اقتدار ملی و استقلال آن) در مقابل جهانی‌شدن آسیب پذیر هستند.

د) تحدید حاکمیت ایران در بعد اقتصادی:

۱- خروج سرمایه‌ها: از ویژگی‌های دوره جهانی‌شدن است. بررسی وضع انتقال منابع در ایران نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، جریان انتقال منابع مالی به داخل کشور منفی بوده است. در یکی از گزارش‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمده که محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه سرمایه از طرف مقام‌های پولی از جمله دلایلی است که مسیر خروج سرمایه از کشور را هموار کرده است. (بابوردی و کریمیان، ۱۳۹۳)

۲- ورود کالاهای قاچاق: ورود کالاهای قاچاق به کشور نیز حاکمیت دولت‌ها در کشور ایران را به لحاظ اقتصادی تحدید می‌نماید. سعی و کوشش‌های کشور ایران جهت ورود به سازمان جهانی بازرگانی با مانع بزرگی همچون آمریکا مواجه است. اگر ایران نتواند به عضویت در آید، همچون امروز شاهد بسیاری از عواقب منفی عدم حضور می‌باشد. لیکن عضویت هم برای آن میسر نمی‌باشد، زیرا وضعیت جهانی‌شدن اقتصادهای بزرگ دنیا یک حق وتوی سیاسی اعطا نموده است. (پیری و میرزایی، ۱۳۹۶) طبیعتاً در چنین شرایطی، هم اقتدار داخلی به دلیل اثرگذاری بر کارآمدی دولت آسیب می‌پذیرد و هم استقلال خارجی به دلیل عدم توان حضور در تصمیم‌گیری‌های مهم بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و تجاری.

۳- از بین بردن محدودیت مرزها برای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی
انتقال قدرت از دولت‌های محلی به نهادهای بین‌المللی و شرکت‌های فراملیتی به عنوان نوع دیگری از تغییرات ایجاد شده در اقتصاد در اثر جهانی‌شدن سبب شده است که بیشترین لطمه به اصول بین‌المللی به ویژه در بخش اقتصادی وارد شود و از طریق از بین بردن محدودیت حاصل از مرزها برای کالاهای کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و تعرفه‌های اقتصادی و رشد شرکت‌های فراملیتی، قدرت اقتصادی دولتهای محلی تضعیف شود. (جوادی، ۱۳۹۸)

۴- ورشکستگی کسب و کارها: در صورت باز کردن درهای اقتصادی برای تجارت آزاد طبقه متوسط و تولید کنندگانی که به لحاظ قیمت و کیفیت توان رقابت با کالاهای ارزان و با کیفیت-

¹. Lee

تر را ندارند و به طور کلی ساختار کوچک مانده اقتصاد خصوصی حداقل در کوتاه مدت با مشکلات و بحران‌های جدی مواجه خواهد شد. (شهرام نیا، ۱۳۹۲) چون که دولت نمی‌تواند به پرداخت یارانه‌ها ادامه دهد. تولید و عرضه کالاها و خدمات عمومی و همگانی که بخش خصوصی در ارائه آنها انگیزه کمتری دارد، کاهش می‌یابد. آزادسازی اقتصادی و رها کردن نگاه‌های تولیدی غیررقابتی در بازارهای جهانی سبب ورشکستگی و توقف تولید در اکثر آنها خواهد شد.

ه) تحدید حاکمیت ایران در بعد امنیتی:

تأمین امنیت کشور ایران در فضای جهانی شدن امری پرابلماتیک است. یعنی این امر مستلزم مواجهه مدبرانه با شرایطی است که غالباً همراه با تنگناها و دوراهی‌های پیچیده می‌باشد، به عنوان نمونه پیوستن ایران به WTO می‌تواند برای کشور مزایا و در همان زمان محدودیتهایی بدنبال داشته باشد. از یک سو با گسترش دامنه نفوذ این سازمان و نیز برخی مزایایی که از قبل آن بدست می‌آید عملاً راهی جز پیوستن به آن متصور نیست و از سوی دیگر محدودیت‌هایی که بدنبال آن در حوزه سیاستگذاری داخلی به وجود می‌آید حوزه حاکمیت ملی را کاهش خواهد داد. در شمال ایران نحوه تنظیم رژیم حقوقی در دریای خزر وجود دارد که در کشاکش میان کشورهای ساحلی بوده و روسیه در مرکز این کشاکش قرار دارد. اغلب این کشورها که همگی از جمله جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق هستند با ائتلافی سنتی به گونه‌ای با ایران رفتار می‌کنند که عملاً چند رای در برابر یک رای می‌باشد. آنها هم یک کنشگر فرا دولت ساخته‌اند و هم از هژمونی نسبی روسیه در منطقه بهره می‌گیرند از سوی دیگر رد پای آمریکا در این موضوع نیز قابل مشاهده است به‌طوری‌که حتی برنامه‌های نفتی و اقتصادی کمتر به صرفه تحت تاثیر دخالت‌های آمریکا به برنامه‌های با صرفه مرتبط با ایران ترجیح داده می‌شود. (دهشیری، ۱۳۹۴) فلذا کنشگران جدید منطقه‌ای و جهانی به‌طور روزافزونی در حال افزایش هستند و تدبیرات خاصی را می‌طلبند. گروه‌های جنایت پیشه به‌طور سازمان یافته‌تر و در مقیاس‌های فراملی عمل می‌کنند. نزدیکی جوامع و از بین رفتن بسیاری از مرزهای پیشین و باز شدن اجباری درهای کشورهای باعث شده است جامعه محلی با مسائل جدیدی مواجه شود.

نتیجه گیری

جهانی شدن سبب تحدید حاکمیت دولت‌ها و افزایش نقش کنشگران غیر دولتی می‌گردد. این جریان دولت‌ها را وادار نموده است تا با پیوستن به معاهدات بین‌المللی و عضویت در

سازمان‌های بین‌المللی، از قسمتی از اختیارات خود صرف نظر کنند. در این راستا، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها که زمانی یک اصل غیر قابل تخطی تلقی می‌شد، هر روز بیش از پیش رنگ می‌بازد و امروزه بر اساس دکترین مسئولیت حمایت حتی می‌توان به واسطه نقض حقوق بنیادین افراد، علیه دولت متبوع آنان متوسل به زور شد.

همچنین، عدم آزادی مطلق دولت‌ها در امور داخلی سبب تقویت مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از قبیل پاسخگویی، شفافیت، مشارکت‌جویی، عدالت محوری، مسئولیت‌پذیری، برابری مدنی و حاکمیت قانون شده است. علاوه بر افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های غیردولتی، افزایش نقش افراد در حوزه‌هایی نظیر حقوق بین‌الملل بشر نیز نتیجه این تحول بنیادین است. به‌علاوه، کمرنگ‌تر شدن مرزهای ملی سبب شده تا دولت‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شده و پیدایش مفاهیم و قواعد مشترک جهانی نیز نتیجه این نزدیکی است. با این حال، توسعه ارتباطات و ابزارهای نوین آن نیز در ایجاد این وضعیت نقش پررنگی داشته‌اند و با افزایش آگاهی کنشگران غیردولتی به حقوق و وظایف خود و اتفاقات جهانی سبب شده‌اند تا آنها بیش از قبل در جریان امور قرار بگیرند.

فلذا نتایجی که از پژوهش حاضر حاصل شده‌اند عبارتست از:

۱- جهانی‌شدن، حاکمیت‌های ملی را در مواردی از قبیل کاهش اهمیت مرزهای سیاسی، محدود می‌سازد و اثرات محدود کننده نسبت به قواعد و اصول حقوق عمومی را در پی خواهد داشت.

۲- جهانی‌شدن، برای تحدید دولت‌ها بسیار تأثیرگذار بوده و حالت تخریبی را در نسبت به دولت در پی خواهد داشت.

۳- با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موضوع استقلال را در کشور مطرح کرده و نگاه ایدئولوژی و اسلامی دارد اما در عین حال نسبت به تحدید حاکمیت دولت ایران بی‌تأثیر نیست.

۴- می‌توان راهکارهایی ارائه داد که با حفظ قانون اساسی ایران یا استقلال کشور ایران و یا اصول امنیت ملی، بتوان از فواید جهانی‌شدن بهره‌مند شد و با توجه به اینکه جهانی‌شدن در تصویب قوانین و مقررات داخلی تأثیرگذار خواهد بود می‌توان با تصویب یک سری قوانین با ضمانت اجرای بالا و یا حتی اصلاح قانون اساسی، جلوی آثار مخرب جهانی‌شدن نسبت به دولت و فرهنگ مردم را گرفت.

در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- درک موقعیت کنونی جهان یکی از ضرورت‌های اساسی است که در صورت تحقق آن دستیابی به جایگاه مناسب در روابط و مناسبات جهانی دسترس‌پذیر خواهد بود.
- ۲- با توجه به اهمیت اطلاعات و دانش در مناسبات اجتماعی و بین‌المللی و توسعه پایدار جوامع ارج نهادن به فرایندها و عوامل دست‌اندرکار موجب تضمین بهره‌مندی همگان از این پدیده حیاتی خواهد شد.
- ۳- تغییر و تحولات سریع در عرصه علم و فناوری ضرورت روزآمد سازی و همگام بودن با پیشرفت‌ها را بیش از پیش ضروری ساخته است.
- ۴- تهیه و تدوین راهبردهای جامع و فراگیر درباره فرایند جهانی‌شدن با در نظر گرفتن ویژگی‌های متفاوت و ابعاد متفاوت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فنی این پدیده.
- ۵- شناخت تجارب و رویکردهای دیگران در قبال جهانی‌شدن برای ایجاد راهبردی جامع برای کشورها ضروری است.
- ۶- در کنار توجه به نیروهای فروملی و فراملی و ارتقای همکاری با آنها و زمینه‌سازی و بسترسازی برای گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی و کمک به آن با فراهم‌سازی بانک اطلاعاتی از کشورهای دیگر و یافتن بازارهای بالقوه که سبب توسعه صادرات و ارزآوری به کشور می‌گردد.
- ۷- با توجه به وضعیت ترکیبی این پدیده که دارای دستاوردهای مثبت و تأثیرات منفی است، آسیب‌پذیری‌ها در این فرایند گسترده است ولی این به معنای نفی منطق جهانی‌شدن نیست. بلکه به معنای یافتن راه حل برای معضلات جهانی با منطق و بینش جهانی است. لذا مؤثرترین راه استفاده از فناوری‌های رو به توسعه جهان با کمترین هزینه می‌باشد.

منابع فارسی

کتب

- اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۹۲)، *جهانی‌شدن و سیاست خارجی*، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، تهران
- افروغ، عماد (۱۳۹۳)، *ما و جهانی‌شدن*، تهران، سوره مهر، چاپ سوم
- تاملینسون، جان (۱۳۸۸)، *جهانی‌شدن فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۲)، *جهانی‌شدن و دین* (مجموعه مقالات)، تهران، نشر روزنه، چاپ چهارم
- سلیمی، حسین (۱۳۹۲)، *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*، تهران، انتشارات سمت
- شولت، یان ارت (۱۳۹۰)، *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- شهرام نیا، سید امیر (۱۳۹۲)، *جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران*، نشر نگاه معاصر
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۳)، *جهانی‌شدن: فرهنگ و هویت*، نشر نی، جلد اول، تهران

مقالات

- اسماعیل بابیوردی، کریمیان، علیرضا (۱۳۹۳)، *جهانی‌شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۳، زمستان
- امین سالم و همکاران (۱۳۹۸)، *بررسی اثر جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته*، فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، دوره ۳، شماره ۶
- پروین، خیراله (۱۳۸۹)، *تاثیر جهانی‌شدن و تحولات بین‌المللی بر حاکمیت و استقلال دولت‌ها*، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴
- حدیث احدی و همکاران (۱۳۹۸)، *چالش‌ها و فرصت‌های آموزش عالی در فرآیند جهانی‌شدن*، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه
- جوادی، بابک (۱۳۹۸)، *تاثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ‌های ملی-محلی ایران و کسب و کار*، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه‌ای و جهانی
- حیدر لطفی، آزاده محمدزاده (۱۳۹۱)، *فرآیند جهانی‌شدن و بررسی این پدیده در کشورهای*

- جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام - دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، جهانی‌شدن و توسعه پایدار، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره چهارم
- داریوش پیری، نوشین میرزایی (۱۳۹۶)، ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره سی و هشتم
- دیوید هلد، آنتونی مک گرو (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و مخالفان آن، مسعودکرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۳)، جهانی‌شدن گفت و گو و جهانشمولی حقوق بشر، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن)، دوره ۵، شماره ۱۳
- سهیلا کلوانی و همکاران (۱۳۹۷)، جهانی‌شدن سیاست و تاثیر آن بر فرآیند توسعه سیاسی ج.ا. ایران، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۴، شماره ۳۸
- سیدمهدی ویسه و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی پیامدهای جهانی‌شدن با تاکید بر فرهنگ اسلامی، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی
- عبدالرسول بیات و دیگران (۱۳۹۲)، فرهنگ واژه‌ها، قم، انتشارات اندیشه و فرهنگ اسلام، چاپ پنجم
- عباس منوچهری، فیروز جعفری (۱۳۹۳)، تاثیر جهانی‌شدن بر حقوق شهروندی در ایران، پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، دوره جدید، شماره ۱۶
- گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، جهانی‌شدن و اندازه دولت: آزمون فرضیه رودریک، سیاست‌های راهبردی وکلان، دوره ۳، شماره ۱۰
- مرجان بدیعی، نرجس السادات حسینی (۱۳۹۱)، جهانی‌شدن و تحول مفهوم حاکمیت ملی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۲۵
- محمد جویباری، نجات محمدی فر (۱۳۹۰)، فرهنگ و تمدن ایرانی و جهانی‌شدن، فرصت‌ها و چالش‌ها، مطالعات جامعه شناسی، دوره دوم، شماره دوازدهم
- یاشار ذکی، نرجس سادات حسینی نصرآبادی (۱۳۹۳)، حاکمیت ملی در پرتو ابعاد جهانی‌شدن، دوره ۱۲، شماره ۴۳
- محمدی، زینب (۱۳۹۷) مفهوم شناسی حقوق و جهانی‌شدن آن، اولین همایش ملی جهانی سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی
- میرزایی، سید محمد حسین (۱۳۹۸)، جستاری بر جهانی‌شدن و توسعه کارآفرینی، اولین

کنگره ملی پژوهش، کارآفرینی و توسعه ملی با رویکرد حمایت از تولید ملی

English Resources

Books

- Giddens, Antony (1998), **the Third Way: Renewal of Social Democracy**, Cambridge Polity Press
- Habermas, Jurgén (2011), **The Postnational Constellation: Political, Translated and edited by Max Pensky**, Cambridge, Massachusetts, MIT Press
- Lee Daniel (2016), **Popular Sovereignty in Early Modern Constitutional Thought**, Oxford University Press

Articles

- Dubash N. (2012), **Understanding the Rise of the Regulatory States of the South**, Regulation and Governance Journal, Volume 6, Issue 3
- Glanville, L. (2011), **The Antecedents of Sovereignty as Responsibility**, European Journal of International Relations, Vol. 17, No. 2
- Jordana J. (2011), **The Global Diffusion of Regulatory Agencies Channels of Transfer and Stages of Diffusion**, Comparative Political Studies Journal, vol. 44, no. 10

